

دیکتاتورى پر و لتاریا
(راهنمای بحث)

دفتر اول
سؤالات

مبارزین آزادى خلق ایران

تیر ماه ۱۳۵۸

دیجیتال کننده: نینا پویان

دیکتاتوری پرولتاریا (راهنمای بحث)

دفتر اول
سؤالات

مبارزین آزادی خلق ایران
تیرماه ۱۳۵۸

مقدمه:

مسأله دیکتاتوری پرولتاریا یکی از نکات کلیدی مارکسیسم - لنینیسم است. لنین قبول نظریه دیکتاتوری پرولتاریا را سنگ محکی برای شناسائی مارکسیسم واقعی از مارکسیسم تقلیبی میدانند و تاریخ نیز نشان داده که همواره چنین است.

سوسیالیسم دوران گذاری انقلابی است که جامعه‌ی طبقاتی سرمایه‌داری را به جامعه بدون طبقه کمونیستی وصل میکند و دولت در این دوران چیزی جز دیکتاتوری انقلابی پرولتاریا نیست.

این‌کنه تئوری دیکتاتوری پرولتاریاست و اساساً یکی از اصول اولیه مارکسیسم است و دست‌آورد نزدیک به یک قرن مبارزه پرولتاریا. تاریخ ثابت کرده که هیچ طبقه‌ای بجز پرولتاریا قادر به بنای سوسیالیسم یعنی انتقال جامعه طبقاتی

به جامعه بی طبقه نیست. مارکسیسم خود بیان کننده این تجربه تاریخی است. ویکی از نکات اساسی و بلکه اساسیترین نکته ای که سوسیالیسم ما قبل مارکس را از سوسیالیسم مارکسیستی تمیز میدهد دقیقاً همین نکته است. پیشوایان سوسیالیسم تخیلی قادر بدرك محتوای طبقاتی سوسیالیسم نبودند، در نظر آنها خرده بورژوازی و بورژوازی نیز هستند و سوسیالیسم را بنا نهند و جامعه را به سوی نابودی طبقات سوق دهند. انقلاب ۱۸۴۸ و قیام کارگران فرانسه (کمون پاریس) در واقع سوسیالیسم ما قبل مارکس را دفن نمود و حقانیت درك طبقاتی مارکس را ثابت کرد. اما انگیزه های طبقاتی پشت آنگونه سوسیالیسم (سوسیالیسم ما قبل مارکس) بعدها خود را در پوشش مارکسیسم پوشانید، اما مهر و بزیونیسم بر پیشانی درخشیدن گرفت.

امروز نیز چنین است. هر آنکس که معتقد باشد که حامل تاریخی سوسیالیسم طبقه ای بجز پرولتاریست و یا اساساً بر این اصل سایه افکنده هیچ قبائی جز رویونیسم بر ازنده او نیست. و این قبای بر ازنده تمام رویونیستها از «برنشتین» گرفته تا «خروشچف» و از «کاتونسکی» تا «مبلغان «سه جهان» میباشد مبلغان و هواداران «راه رشد غیر سرمایه داری» دقیقاً از چنین موضعی حرکت میکنند. اینان معتقد اند که بورژوازی

ویا خرده بورژوازی با کمک کشور سوسیالیستی (بخوان سوسیال
امپریالیستی) قادر خواهد بود که بانی سوسیالیسم باشد و این
خیانتی آشکار به کلیه موازین مارکسیستی میباشد.

بحث مادر اینجا بر سر یک تز نیست، ما معتقد نیستیم
که رویزیونیسم مجموعه چند تز است که اگر آنها را پس
گرفتند کار تمام است. رویزیونیسم یک بیتش، یک جهانبینی
است، رویزیونیستهای مرتدی چون «برژنف»، «سوسولف»
و یا ایادی آنان «کیانوری و شرکاء» جهان را از دریچه
رویزیونیستی نگاه میکنند و این در جزء جزء زندگی روزمره
آنان هویدا است.

و هم از اینروست که میباشد با رویزیونیسم بمشابه یک
نگرش هر جا که روی از ویافتیم مبارزه نمائیم، خواه در پیش
رویزیونیستها و یا انقلابیونی که نقطه نظرات رویزیونیستی
دارند (۱)

(۱) البته قصد ما اینجا مغایرت کردن و یا مخدوش کردن
تفاوت بین رویزیونیستهای عاملی چون داروسته کمیته مرکزی
با انقلابیونیکه دارای نقطه نظرات یا گرایشات رویزیونیستی
هستند نیست.

امروزه ما در سطح جنبش با درکی که در محتوی همان
درك رويزيونيستی از ديكتاتوری پرولتاریاست، از جانب
برخی نیروهای انقلابی و بخصوص «سازمان چریکهای فدائی
خلق» مواجه هستیم. این درك معتقد است که رهبران شوروی
رويزيونيستند اما شوروی يك کشور سوسیالیستی است!!
مارکسیسم می آموزد که سیاست بیان فشردهی اقتصاد
است.

بنابر این سیاست رويزيونيستی بیان فشرده روابط تولیدی
متناظر با آن است. اما بازم مارکسیسم - لنینیسم می آموزد
که پایگاه طبقاتی رويزيونيسم، بورژوازی است، رويزيونيستها
همواره مدافعان بورژوازی در میان پرولتاریا و احیاکننده گان
آنان در جامعه سوسیالیستی اند، سوسیالیستی را که مجری آنند
(سیاست رويزيونيستی) نمیتوان بیان فشرده روابط تولیدی
سوسیالیستی باشد به عبارت دیگر رويزيونيست قادر نیست
سوسیالیسم را بنا نهاد و بیشتر و جودش با آن در تضاد است.
امروزه ما از رفقای که معتقد به رويزيونيست بودن رهبری
شوروی در عین سوسیالیست بودن آن هستند سوال میکنیم که:
«چگونه يك رهبری رويزيونيستی که پایگاه طبقاتی ای بسجز
پرولتاریا دارد، بعد از نزدیک به بیست سال سلطه بر حزب و
دولت شوروی قادر به حفظ و گسترش روابط تولیدی سوسیالیستی

میتواند از جانب طبقه‌ای بجز پرولتاریا نمایندگی گردد (مگر اینکه رفقا معتقد باشند که پایگاه طبقاتی رویونیسم، پرولتاریاست!!) اینجاست که باز هم همان درک از دیکتاتوری پرولتاریا و رسالت تاریخی پرولتاریا آشکاراً به چشم میخورد.

نه رفقا! شوروی نمیتواند هم رویونیست باشد و هم سوسیالیست، این تضادی است که می‌باید حلش کنید و امیدواریم که به نفع پیگیری در خصلت اول آن، کار پیش رود و رفقا بدامان سراب سوسیالیستی در نغلطند.

در هر صورت پاسخ به ضرورت مبارزه در راه افشاء رویونیسم نیاز به درک اصولی و عمیق ایده دیکتاتوری پرولتاریا دارد و هر آنکس که خود را مارکسیست - لنینیست واقعی میدانند باید با این سنک محک بخورد.

در جریان مبارزه علیه تحریف ایده دیکتاتوری پرولتاریا بوسیله بانده طرفداران مسکو، حزب کمونیست چین که در آن زمان به رهبری «رفیق مائوتسه دون» پرچمدار مبارزه علیه رویونیسم بود، کتابچه‌ای حاوی نقل قول‌هایی از «مارکس، انگلس و لنین را درباره دیکتاتوری پرولتاریا منتشر ساخت که ترجمه فارسی آن نیز پخش گردید. بعد از مدتی در خبرنامه‌های پکن (پکن رویو) شماره‌های ۴۰ تا ۵۱ سال ۱۹۷۵

سؤال و جوابهایی درباره نقل قولهای فوق که حاصل بحث آنها در چین بود درج گردید که حاوی نکات آموزنده بسیاری است. ما به هنگام استفاده از این منبع در بحث دیکتاتوری پرولتاریا با توجه به کمک بسیار زیادی که در درک این تئوری بما نمود لزوم انتشار آنرا در سطح جنبش درک نمودیم و این جزوه اولین قدم در این راه است.

این جزوه حاوی سؤالهایی درباره نقل قولهای ذکر شده در کتاب «مارکس، انگلس و لنین، درباره دیکتاتوری پرولتاریا» میباشد.

رقم نمیتوانند از این سؤالها بمثابه راهنمای بحث این مطلب استفاده نمایند و مطلب مطروحه از سؤالها را بین خود به بحث بگذارند. علیرغم اینکه لزوم ارائه جوابها را نیز می بینیم، بعلت آماده نبودن آنها، این کار را بدفتر دوم این بحث میگذاریم.

امیدواریم که با این کار قدمی هر چند کوچک را در رابطه با ترویج ایده های اساسی مارکسیسم - لنینیسم برداشته باشیم.

مبارزین آزادی خلق ایران

قیوم ۱۳۵۸

... نه کشف وجود طبقات در جامعه کنونی و نه کشف مبارزه میان آنها هیچکدام از خدمات من نیست. مدت‌ها قبل از من مورخین بورژوازی تکامل تاریخی این مبارزه طبقات و اقتصاددانان بورژوازی تشریح اقتصادی طبقات را بیان داشته‌اند. کار تازه‌ای که من کرده‌ام اثبات نکات زیرین است: (۱) اینکه وجود طبقات فقط مربوط به مراحل تاریخی معین تکامل تولید است؛ (۲) اینکه مبارزه طبقاتی ناچار کار را به دیکتاتوری پرولتاریا منجر می‌سازد؛ (۳) اینکه خود این دیکتاتوری فقط گذاری است بسوی نابودی هرگونه طبقات و بسوی جامعه بدون طبقات.

«نامه مارکس به ویدمیر» (۵ مارس ۱۸۵۲)

سؤال ۱ - چگونه باید محتوی و برجستگی نقل قول

فوق از مارکس را درک کنیم؟

سؤال ۲ - چرا مارکس گفته است «وجود طبقات

فقط مربوط به مراحل تاریخی معین تکامل تولید است».

سؤال ۳ - در سراسر تاریخ، مبارزات بردگان بر علیه

برده‌داران منجر به دیکتاتوری برده‌ها و مبارزات دهقانان بر

ضد مالکان منجر به دیکتاتوری دهقانان نشد، پس چرا مبارزه طبقاتی پرولتاریا بر ضد بورژوازی باید منجر به دیکتاتوری پرولتاریا بشود؟

سوال ۴ - چگونه باید گذار به نابودی طبقات و ایجاد جامعه بدون طبقه را تنها با دیکتاتوری پرولتاریا تفسیر کرد؟

در پاسخ به این سوال باید به این نکته توجه داشت که دیکتاتوری پرولتاریا به معنای تسلط مطلق بر طبقه کارگر بر تمام طبقات دیگر جامعه نیست، بلکه به معنای تسلط پرولتاریا بر بورژوازی است تا بتواند با استفاده از قدرت خود، جامعه را به سوی جامعه بدون طبقه سوق دهد. این امر تنها در صورتی امکان پذیر است که پرولتاریا در اکثریت باشد و بتواند با استفاده از قدرت خود، بورژوازی را سرکوب کند و جامعه را به سوی جامعه بدون طبقه سوق دهد.

در واقع دیکتاتوری پرولتاریا به معنای تسلط پرولتاریا بر بورژوازی است تا بتواند با استفاده از قدرت خود، جامعه را به سوی جامعه بدون طبقه سوق دهد. این امر تنها در صورتی امکان پذیر است که پرولتاریا در اکثریت باشد و بتواند با استفاده از قدرت خود، بورژوازی را سرکوب کند و جامعه را به سوی جامعه بدون طبقه سوق دهد.

مفکس که شرایط موجود مستماری از طریق انقلاب کبک
در این کشور دعوت به مقاومت و مقاومت کبک انقلابی است. امپریالیسم
در این کشور انقلابی در این کشور در این کشور در این کشور
در این کشور در این کشور در این کشور در این کشور

بین جامعه سرمایه‌داری و کمونیستی دورانی وجود دارد
که دوران تبدیل انقلابی اولی به دومی است. مطابق با
این دوران یک گذار سیاسی نیز وجود دارد و دولت
این دوران چیزی نمیتواند باشد جز دیکتاتوری انقلابی پرولتاریا.

کارل مارکس: «انتقاد از برنامه گتا» (آوریل -

اوائل مه ۱۸۷۵)

سؤال ۵ - چرا انقلاب پرولتاریائی با انقلاب اجتماعی

گذشته در این نکته اختلاف دارند که بعد از سرنگونی حکومت

بورژوازی احتیاج به یک دوره انتقال انقلابی داریم؟ آیا

منظور از این دوران، دوران تاریخی سوسیالیسم است؟

سؤال ۶ - منظور از گذار سیاسی چه می باشد؟ چرا

دولت در این دوران چیزی بجز دیکتاتوری انقلابی پرولتاریا

نیست؟

این سوسیالیسم ، اعلان انقلاب مداوم است ، دیکتاتوری طبقاتی پرولتاریا است بمثابة پله‌ای ضروری برای گذار بسوی محو اختلافات طبقاتی بطور کلی ، محو کلیه روابط تولیدی که این اختلافات بر روی آنها پایه میگیرند ، محو کلیه روابط اجتماعی متناسب با این روابط تولید و دگرگونی همه افکاری که از این روابط اجتماعی برمیخیزند .

کارل مارکس : « مبارزه طبقاتی در فرانسه از ۱۸۴۸ تا ۱۸۵۰ » (ژانویه - اول نوامبر ۱۸۵۰)

سؤال ۷ چه اصلی از نقل قول فوق از مارکس را باید

بطور اساسی درك كرد؟

سؤال ۸ - چگونه باید این گفته مارکس را که « این

سوسیالیسم (دیکتاتوری طبقاتی پرولتاریا) اعلام انقلاب مداوم است » درك كرد؟

سؤال ۹ - چگونه باید این مطلب مارکس را درك

کنیم که « دیکتاتوری طبقاتی پرولتاریائی بعنوان پله‌ای

ضروری برای گذار بسوی محو اختلافات بطور کلی ، محو

کلیه روابط تولیدی که این اختلافات بر روی آنها پایه می

گردد . محو کلیه روابط اجتماعی متناسب با این روابط تولید و

دگرگونی همه افکاری که از این روابط اجتماعی برمی‌خیزند »

می‌باشد .

هنگامی که شرایط موجود ستمگری از طریق انتقال کلیه
وسائل کار به تولید کنندگان از میان رفت و هر فردی که به کار
توانا است مجبور شد برای گذران زندگی خود کار کند ، آنگاه
یگانه پایه سلطه و ستمگری طبقاتی نیز فرو خواهد ریخت . اما
پیش از آنکه چنین تحولی بوقوع به پیوندد دیکتاتوری پرولتاریا
ضروری است و نخستین شرط آن ارتش پرولتاریا است .

کارل مارکس : « در باره هفتمین سالگرد

انترناسیونال » (سپتامبر ۱۸۷۱)

سؤال ۱۰ - چرا مارکس می گوید استعمار طبقاتی

بوسیله انتقال وسائل تولید بر تولید کنندگان از بین میرود؟

و چرا دیکتاتوری پرولتاریا قبل از انجام این تغییر لازم است؟

سؤال ۱۱ - چگونه باید این نکته را که « نخستین

شرط دیکتاتوری پرولتاریائی ارتش پرولتاریا است » درک

نمود؟

سؤال ۱۲ - چرا مارکس می گوید که

« ... »

« ... »

« ... »

« ... »

« ... »

« ... »

« ... »

انقلاب کمونیستی قطعی‌ترین شکل گسستن رشته‌های پیوند با مناسبات مالکیتی است که ماترک گذشته است؛ شگفت‌آور نیست، اگر این انقلاب در جریان تکامل خود با ایده‌هایی که ماترک گذشته است به قطعی‌ترین شکلی قطع رابطه کند.

کارل مارکس و فریدریش انگلس: «مانیفست حزب

کمونیست» (فوریه ۱۸۴۸)

سوال ۱۲ - روابط مالکیت ماترک گذشته (سنتی)

چیست؟

سوال ۱۳ - چرا انقلاب کمونیستی لازم است درگیر

رادیکال‌ترین جدائی از روابط مالکیت ماترک گذشته (سنتی)

گردد؟

سوال ۱۴ - ایده‌های ماترک گذشته (سنتی) کدامند؟

سوال ۱۵ - چرا انقلاب کمونیستی لازمست درگیر

رادیکال‌ترین جدائی از عقاید ماترک گذشته گردد؟ و بانا بودی

کامل مالکیت خصوصی چگونه ارتباط دارد؟

کسی که فقط مبارزه طبقاتی را قبول داشته باشد ، هنوز مارکسیست نیست و ممکن است هنوز از چهارچوب تفکر بورژوائی و سیاست بورژوائی خارج نشده باشد . محدود ساختن مارکسیسم به آموزش مربوط به مبارزه طبقات - بمعنای آنست که از سrote آن زده شود ، مورد تحریف قرار گیرد و به آنجا رسانده شود که برای بورژوازی پذیرفتنی باشد . مارکسیست فقط آنکسی است که قبول نظریه مبارزه طبقات را تا قبول نظریه دیکتاتوری پرولتاریا بسط دهد . وجه تمایز کاملاً عمیق بین يك خرده بورژوای عادی (و همچنین بورژوای بزرگ) با يك مارکسیست در همین نکته است . با این سنگ مهك است که باید چگونگی درك واقعی و قبول مارکسیسم را آزمود .

و ۱۰ . لنین : « دولت و انقلاب » (اوت -

سپتامبر ۱۹۱۷)

سؤال ۱۶ - چرا لنین می گوید کسی که فقط مبارزه طبقاتی را قبول داشته باشد ، هنوز مارکسیست نیست و ممکن است هنوز از چهارچوب تفکر بورژوائی و سیاست بورژوائی خارج نشده باشد؟

۱۷ - چرا لنین می گوید : مارکسیست فقط آنکسی

است که قبول نظریه مبارزه طبقات را تا قبول نظریه دیکتاتوری

پرولتاریا بسط دهد و چرا تشخیص یا عدم تشخیص دیکتاتوری

پرولتاریا را سنگ محک تشخیص مارکسیسم واقعی از

مارکسیسم تقلبی میدانند؟

دیکتاتوری پرولتاریا بیدریغ‌ترین و بی‌امانت‌ترین جنگ
طبقه جدید علیه دشمن مقتدرتر یعنی بورژوازی است که
مقاومتش پس از سرنگونی (ولو در يك کشور) ده بار فزونتر
گردیده و اقتدارش تنها ناشی از نیروی سرمایه بین‌المللی و
نیرو و استواری روابط بین‌المللی بورژوازی نبوده بلکه ناشی از نیروی
عادت و نیروی تولید كوچك نیز هست. زیرا تولید كوچك
متأسفانه هنوز در جهان زیاد و بسیار هم زیاد است و همین تولید
كوچك است که همواره، همه روزه، هر ساعته، بطور خود
بخودی و بمقیاس وسیع، سرمایه‌داری و بورژوازی را پدید
میاورد. بنا بر مجموعه این علل دیکتاتوری پرولتاریا ضروریست
و پیروزی بر بورژوازی بدون يك جنگ طولانی، سرسخت
و حیاتی و مماتی، جنگی که مستلزم پایداری، انضباط،
استقامت، تزلزل‌ناپذیری و وحدت اراده است، امکان‌پذیر
نیست.

و ۱۰. لنین: «بیماری کودکی» «چپ‌روی»
در کمونیست» (آوریل - مه ۱۹۲۰)

سؤال ۱۸ - چه نکات اصلی را که در این نقل قول

ورد تأکید قرار گرفته باید درک نمائیم؟

۱۹ - قدرت بورژوازی سرنگون شده ناشی از ارتباط

آن با امپریالیسم و سوسیال امپریالیسم و سایر کشورهاست

ولی چرا لنین می گوید این قدرت همچنین ناشی از نیروی

عادت و نیروی تولید کوچک نیز هست؟

۲۰ - تولید کوچک چیست و خصوصیات آن کدام است؟

... در هر انتقالی از سرمایه‌داری به سوسیالیسم دیکتاتوری
بدو علت عمده و یا در دو جهت عمده ضروریست . نخست اینکه
سرمایه‌داری را نمیتوان مغلوب نمود و ریشه کن ساخت
مگر از طریق در هم شکستن بی‌امان مقاومت استثمارگران که
بلافاصله نمیتوان آنها را از ثروتشان و از برتریهای تشکیلات
و معلوماتشان محروم ساخت و بالنتیجه طی دوران نسبتاً مدیدی
ناگزیر تلاش خواهند کرد تا حکومت تهیدستان را که نسبت به
آن نفرت دارند واژگون سازند . دوم آنکه هیچ انقلاب کبیر و
بویژه انقلاب سوسیالیستی ، حتی اگر جنگ خارجی هم در بین
نباشد ، ممکن نیست بدون جنگ داخلی یعنی جنگ بین
همکشوران انجام پذیرد ، جنگی که ویرانی حاصله از آن از
جنگ خارجی هم بیشتر است و هزارها و میلیونها موارد تزلزل
و نوسان از یکسو بسوی دیگر را دربر دارد و حاکی از يك وضع
بی‌نهایت نامعین و نامتعادل و آشفته میباشد . و بدیهیست
که هیچیک از عناصر فساد جامعه کهنه که ناگزیر بسیار
کثیرالعدده و اکثراً با خرده بورژوازی مربوطند (زیرا خرده
بورژوازی را هر جنگ و هر بحرانی قبل از همه ورشکست و
نابود میکند) نمیتوانند در يك چنین تحول عمیقی " خودنمایی "
نکنند . و اما عناصر فساد هم نمیتوانند طور دیگری " خودنمایی "
کنند مگر از راه افزایش جرائم ، اوباشی ، ارتشاء ، احتکار

و انواع فضاحت دیگر . برای اینکه بتوان از عهده همه اینها
برآمد زمان و سرپنجه آهنین لازمست .

هیچ انقلاب کبیری در تاریخ نبوده است که در آن
مردم اینموضوع را بطور غریزی حس نکرده و با تیرباران دزدان
در محل ارتکاب جرم ، قاطعیت نجات بخشی از خود نشان
نداده باشند . مصیبت انقلابهای پیشین در این بود که شور
انقلابی توده ها که آنها را در حالت برانگیختگی نگاه میدارد و
به آنها نیرو میدهد تا عناصر فساد را بطرز بی امانی سرکوب
نمایند برای مدتی مدید کفایت نمیکرد . علت اجتماعی یعنی طبقاتی
این بی دوامی شور انقلابی ، ضعف پرولتاریا بود که تنها
کسی است که قادر است (در صورتیکه بحد کافی کثیرالعدده و
آگاه و با انضباط باشد) اکثریت زحمتکشان و استثمارشوندگان
(بزبان ساده تر و عامه قهیم تر اکثریت تهیدستان) را بسوی
خود جلب کند و قدرت حاکمه را بمنظور سرکوب کامل تمام
استثمارگران و تمام عناصر فساد برای مدتی بحد کافی طولانی در
دست خود نگاه دارد .

همین تجربه تاریخی تمام انقلابها و همین درس تاریخی -
جهانی - اقتصادی و سیاسی - بود که مارکس آنرا تلخیص
نمود و فورمول کوتاه ، صریح ، دقیق و روشن - دیکتاتوری

پرولتاریا را بدست دادیم و ناکامی - ناکامی

و . . . : «وظایف نوبتی حکومت شوروی»
(مارس - آوریل ۱۹۱۸)

سؤال ۲۱ - چرا لنین گفت همه استثمارگران و عناصر فساد باید شدیداً تحت فشار قرار گیرند و سرکوب شوند؟ چرا این احتیاج به یک سرپنجه آهنین دارد؟

۲۲ - چرا عناصر فساد جامعه کهنه اکثراً مربوط به خرده بورژوازی هستند؟

۲۳ - چرا لنین می گوید برای سرکوب عناصر فساد جامعه شور انقلابی توده ها باید ممتد باشد؟

طبقه استثمارگران - ملاکان و سرمایه‌داران از بین نرفته
و ممکن نیست تحت دیکتاتوری پرولتاریا بفرویت از بین برود .
استثمارگران در هم شکسته شده ، ولی نابود نشده‌اند . پایگاه
بین‌المللی آنها یعنی سرمایه بین‌المللی ، که آنها شعبه‌ای از
آن هستند ، باقیمانده‌است . قسمتی از وسائل تولید معین در دست
آنها باقیمانده است ، پول و ارتباطات عظیم اجتماعی باقیمانده‌است .
نیروی مقاومت آنان ، همانا بعلت شکستشان ، صدها و هزارها
بار افزایش یافته‌است . برخورداری از " فن " اداره امور دولتی ،
نظامی و اقتصادی تفوق بسیار زیادی به آنها می‌دهد ، بقسمی
که اهمیت آنان بمراتب بیش از نسبت آنان در بین عده کل
اهالیست . مبارزه طبقاتی استثمارگران سرنگون شده علیه پیشاهنگ
پیروزمند استثمارشوندگان یعنی پرولتاریا بمراتب شدیدتر شده
است . و هر آینه از انقلاب سخن در میان باشد و این مفهوم
را با پندارهای رفرمیستی تعویض نکنند (کاریکه تمام قهرمانان
انترناسیونال دوم میکنند) ، جز اینهم نمیتواند باشد .

و ۱۰ . لنین : « اقتصاد و سیاسی در عصر

دیکتاتوری پرولتاریا » (اکتبر ۱۹۱۹)

بسیار بدست آورد و این جملات در دسترس بود
نخستین بار (۱) به نظر می آید که اینها در دسترس
است. اینها در دسترس است. اینها در دسترس است.
در دسترس است. اینها در دسترس است.
اینها در دسترس است. اینها در دسترس است.
اینها در دسترس است. اینها در دسترس است.
اینها در دسترس است. اینها در دسترس است.
اینها در دسترس است. اینها در دسترس است.
اینها در دسترس است. اینها در دسترس است.
اینها در دسترس است. اینها در دسترس است.

۲۴- ایده اصلی نقل قول فوق از لنین را چگونه درک کرد؟
باید

۲۵- چرا لنین دوباره و دوباره این نکته را تأکید

می کند که طبقات استثمارگر سرنگون شده در تحت دیکتاتوری
پرولتاریا هنوز قدرتمند هستند و مبارزه طبقاتی آنان بر علیه
پرولتاریا بمراتب شدیدتر میشود؟

اینها در دسترس است. اینها در دسترس است.
اینها در دسترس است. اینها در دسترس است.
اینها در دسترس است. اینها در دسترس است.
اینها در دسترس است. اینها در دسترس است.
اینها در دسترس است. اینها در دسترس است.
اینها در دسترس است. اینها در دسترس است.
اینها در دسترس است. اینها در دسترس است.
اینها در دسترس است. اینها در دسترس است.
اینها در دسترس است. اینها در دسترس است.
اینها در دسترس است. اینها در دسترس است.

ما در روسیه اکنون (سومین سال پس از سرنگون ساختن بورژوازی) نخستین گامهای انتقال از سرمایه داری به سوسیالیسم ، یا به نخستین مرحله کمونیسم را بر میداریم . طبقات باقیمانده اند و همه جا ، پس از تصرف قدرت سیاسی توسط پرولتاریا ، سالها باقی خواهند ماند . شاید در انگلستان ، که در آنجا دهقان وجود ندارد (ولی بهر حال در آنجا خرده مالک وجود دارد !) این مدت کوتاهتر باشد . محو طبقات معنایش این نیست که فقط ملاکین و سرمایه داران بیرون ریخته شوند — این کار را ما نسبتاً به آسانی انجام داده ایم — بلکه همچنین معنایش آنستکه مولدین کوچک کالا نیز محو گردند و اما اینها را نمیتوان بیرون ریخت ، اینها را نمیتوان سرکوب نمود ، با آنها باید مدارا کرد ، آنها را میتوان (و باید) اصلاح نمود و بشیوه نوین تربیت کرد ، ولی فقط ضمن یک کار سازمانی طولانی و بطئی و با احتیاط . آنها با طبع خرده بورژوائی خود پرولتاریا را از هر طرف در احاطه خود دارند و ویرا بدان آغشته میسازند و فاسدش میکنند و دائماً در بین پرولتاریا موجب بروز سست عنصری خرده بورژوائی ، از هم پاشیدگی و انفراد منشی میشوند و شور او را بدل به یأس میکنند . مرکزیت و انضباطی اکید در داخل حزب سیاسی پرولتاریا لازم است تا بتوان در برابر این

پدیده مقاومت کرد و نقش سازماندهی پرولتاریا را (که نقش عمده اوست) بشیوه‌ای صحیح و موفقیت‌آمیز و پیروزمندانه عملی نمود . دیکتاتوری پرولتاریا عبارتست از يك مبارزه سرسخت ، خونین و بی‌خون ، قهری و صلح‌آمیز ، جنگی و اقتصادی ، تربیتی و اداری بر ضد نیروها و سنن جامعه کهنه . نیروی عادت میلیونها و دهها میلیون نفر - دهشتناکترین نیروهاست . بدون حزب آهنینی که در مبارزه آبدیده شده باشد ، بدون حزبیکه از اعتماد تمام عناصر پاکدامن طبقه خود برخوردار باشد ، بدون حزبیکه بتواند همواره مراقب روحیات توده باشد و در آن تأثیر نماید ، انجام موفقیت‌آمیز چنین مبارزه‌ای محالست . غلبه بر بورژوازی بزرگ متمرکز هزار بار آسانتر از " غلبه " بر میلیونها خرده‌مالک و صاحبکار کوچک است ، اینها با عملیات روزمره ، معمولی ، نامشهود ، نامحسوس و متلاشی کننده خود همان نتایجی را حاصل می‌آورند که بورژوازی بدان نیازمند است و بورژوازی را احیا مینماید . هر کس ولو اندکی انضباط آهنین حزب پرولتاریا را تضعیف نماید (بویژه در دوران دیکتاتوری پرولتاریا) عملاً علیه پرولتاریا به بورژوازی کمک میکند .

و ۱۰ . نین : « بیماری کودکی " چپ‌روی " در کمونیسم » (آوریل - مه ۱۹۲۰)

۲۶- در این نقل قول، لنین تأکید می‌کند که مسئله

آموزش و تربیت مجدد تولیدکنندگان کوچک یک وظیفه مهم
دیکتاتوری پرولتاریا است. اوروشن کرده که وظیفه طولانی
ودشوار مبارزاتی پرولتاریا در شکست دادن بورژوازی عبارت
است از آموزش و تربیت مجدد تولیدکنندگان کوچک و مقاومت
در مقابل نیروی خود روی خرده بورژوازی و نیروی عادت
جامعه کهن که پرولتاریا را فاسد و تحت تأثیر قرار میدهد. و
برای انجام این وظیفه داشتن رهبری پیگیر حزب سیاسی
پرولتاریا ضرورت دارد. آیا درک نقل قول لنین بصورت فوق
درست است؟

۲۷- چرا برای دیکتاتوری پرولتاریا لازم است که

تولیدکنندگان کوچک را بشیوه نوین تربیت نموده تا بر علیه
نیروی خود روی خرده بورژوازی مبارزه کند؟

۲۸- چرا باید تولیدکنندگان کوچک بشیوه نوین تربیت

گردند؟

۲۹- چگونه باید کلمات لنین را که «دیکتاتوری

پرولتاریا عبارت است از یک مبارزه سرسخت ... بر ضد

نیروها و سنن جامعه کهنه» درک نمود؟

آری ، میان طبقه کارگر و جامعه بورژوائی کهنه ، دیوار
چین فاصله نیست . و زمانی که انقلاب فرا میرسد حوادث مانند
مرگ يك انسان جریان نمی یابد که جسد او را بیرون میبرند .
زمانی که جامعه کهنه میمیرد ، جسد آنرا نمیتوان در تابوت
میخکوب کرد و در گور گذاشت . این جسد در میان ما از هم
میپاشد ، میگذرد و خود ما را نیز آلوده میکند .

و ۱۰ . لنین : « جلسه مشترك کمیته اجرائی

مرکزی سراسر روسیه ، شورای مسکو نمایندگان

کارگران و دهقانان و ارتش سرخ و اتحادیه های

کارگری » (ژوئن ۱۹۱۸)

۳۰- ایده اصلی در نقل قول فوق از لنین چیست؟

۳۱- چرا لنین می گوید بعد از مردن جامعه کهنه ،

جسد آن در میان ما از هم میپاشد ، میگذرد و خود ما را نیز

آلوده میکند؟

۳۲- چرا طبقه کارگر با دیوار چین از جامعه بورژوازی

جدا نمی شود؟ چرا ضرورت دارد که طبقه کارگر- پیشرفته ترین

و انقلابی ترین طبقه - نیز آموزش مجدد ایدئولوژیک خود را

تحکیم بخشد؟

در اینجا سر و کار ما با آنچنان جامعه کمونیستی نیست
که بر پایه خاص خود بسط و توسعه یافته باشد بلکه برعکس با
چنان جامعه‌ای است که بتازگی از درون جامعه سرمایه‌داری
بیرون آمده است. چنین جامعه از هر حیث اعم از اقتصادی،
اخلاقی و فکری هنوز آثار جامعه کهنه‌ای را که از درون آن
سربدر آورده است دربردارد. در نتیجه هر تولیدکننده - پس از
همه برداشت‌ها - درست همانقدر که به جامعه میدهد
از آن پس میگیرد؛ آنچه که تولیدکننده به جامعه داده
مقدار کار انفرادی او است. مثلاً روزکار اجتماعی از
حاصل جمع ساعات کار انفرادی تشکیل میشود؛ زمان
کار انفرادی هر تولیدکننده آن بخش از روزکار اجتماعی
است که تولیدکننده آورده است، سهم او در روزکار
اجتماعی است. او از جامعه برگه‌ای دریافت میدارد مبنی
براینکه این یا آن اندازه کار تحویل داده است (پس از برداشت
بخشی از کار او برای صندوق همگانی) و با این برگه از ذخیره
اجتماعی وسائل مصرفی آن مقدار برداشت میکند که برای آن
کار مصرف شده است. همان مقدار کاری که او به شکلی بجامعه
تحویل میدهد بشکل دیگر پس میگیرد.

در اینجا بوضوح همان اصلی حاکم است که مبادله کالاها

را تنظیم میکنند چون مبادله کالا مبادله ارزش های یکسان است .
اما مضمون و شکل تغییر پذیرفته اند زیرا که در شرایط تغییر
یافته هیچکس بجز کارش چیزی نمیتواند تحویل دهد و زیرا که
از سوی دیگر هیچ چیز بغیر از وسائل مصرفی فردی نمیتواند به
مالکیت افراد جداگانه در آید . و اما در مورد توزیع وسائل
مصرفی میان تولیدکنندگان جداگانه ، همان اصلی حاکم است
که در مبادله کالاهای هم ارز برقرار است یعنی مقداری کار
یک شکل با همان مقدار کار به شکل دیگر مبادله میشود .

از اینرو حق مساوی در اینجا ، بنابر اصل ، هنوز حق
بورژوائی است اگر چه اصل و عمل دیگر در تضاد با یکدیگر
قرار ندارند ، در حالی که در مبادله کالاها ، مبادله کالاهای
هم ارز فقط بطور متوسط وجود دارد و نه در حالات جداگانه .
علی رغم این پیشرفت ، این حق مساوی هنوز از چارچوب
بورژوائی فراتر نمیرود و حق تولیدکنندگان متناسب با کاری
است که تحویل میدهند ؛ تساوی در اینست که اندازه گیری ،
با مقیاس واحدی صورت میگیرد - با کار .

اما یکی از حیث جسمی یا فکری بر دیگری برتری دارد ،
لذا در زمان واحد کار بیشتری تحویل میدهد یا اینکه میتواند
زمان بیشتری کار کند ؛ و کار برای آنکه بمثابه مقیاس بکار

رود ، باید برحسب مدت یا شدت تعیین شود وگرنه دیگر نمیتواند مقیاس باشد . این حق مساوی ، حق نامساوی برای کار نامساوی است . این حق هیچگونه تمایز طبقاتی نمی‌شناسد زیرا که هر کس مانند دیگری کارگر است ؛ اما تلویحاً نابرابری استعداد فردی و در نتیجه توانائی کار را بمثابة امتیاز طبیعی می‌شناسد . بنابر این ، این حق مانند همه حق‌ها ، از حیث مضمون خود حق عدم تساوی است . حق بنابر سرشت خود فقط میتواند در بکار بردن مقیاس واحد جامه عمل بپوشد ؛ ولی افراد نابرابر (و آنها اگر نابرابر نمیبودند افراد متفاوتی نبودند) فقط تا آنجا با مقیاس واحدی قابل اندازه‌گیری اند که به آنها از نقطه نظر واحدی بنگرند ، آنها را از جهت معینی در نظر گیرند ، مثلاً در حالت مشخص به آنها فقط بمثابة کارگر نگاه کنند و دیگر هیچ چیز در آنها نه بینند ، از همه چیزهای دیگر چشم بپوشند . بعداً ، کارگری متأهل است ، دیگری نیست ؛ یکی اطفالش بیشتر از دیگری است و غیره و غیره . در قبال کار مساوی و در نتیجه در قبال سهم مساوی از ذخیره اجتماعی مصرف یکی در واقع بیش از دیگری دریافت میکنند ، یکی غنی‌تر از دیگری است و غیره . برای اهتراز از همه این معایب حق بجای آنکه مساوی باشد میبایست نامساوی باشد .

اما این معایب در نخستین مرحله جامعه کمونیستی ،

جامعه‌ای که پس از دردهای طولانی زایمان، از جامعه سرمایه داری زائیده شده گریزناپذیر است، حق هیچگاه نمیتواند مافوق نظام اقتصادی اجتماعی و تکامل فرهنگی اجتماعی مبتنی بر این نظام قرار گیرد.

کارل مارکس: «انتقاد از برنامه گنا»
(آوریل - اوائل مه ۱۸۷۵)

۳۳- چرا مارکس می‌گوید، اصل توزیع برحسب کار

همان اصلی است که مبادله کالاها را تنظیم می‌کند، یعنی

اصل مبادله کالاهای دارای ارزش مساوی؟ چرا او می‌افزاید

که «مضمون و شکل تغییر پذیرفته‌اند»؟

۳۴- مارکس گفت: «حق مساوی که محتوی توزیع

برحسب کار است، هنوز - در اصل - یک حق بورژوازی است».

چگونه باید این نکته را درک کنیم؟

۳۵ - چگونه باید گفته مارکس را درک کنیم که «هر

تولیدکننده - پس از همه برداشته‌ها - درست همانقدر که به

جامعه میدهد از آن پس می‌گیرد»؟

۳۶ - با اینکه توزیع براساس کار نقص‌های زیادی

دارد، چرا باید آنرا در جامعه سوسیالیستی بکار گرفت؟

... در نخستین فاز جامعه کمونیستی (که معمولا آنرا سوسیالیسم مینامند) " حقوق بورژوائی " فقط تا اندازه ای ملغی میشود نه بطور تام و تمام ، فقط بمیزانی که تحول اقتصادی حاصله اجازه میدهد ، یعنی تنها در مورد وسائل تولید . " حقوق بورژوائی " وسائل تولید را مالکیت خصوصی افراد جداگانه میداند . سوسیالیسم این وسائل را بمالکیت همگانی تبدیل مینماید . در این حدود - و فقط در این حدود - " حقوق بورژوائی " ساقط میشود .

ولی بخش دیگر آن بعنوان تنظیم کننده (تعیین کننده) تقسیم محصولات و تقسیم کار در بین افراد جامعه باقی خواهد ماند . " کسی که کار نمیکند نباید بخورد " ، این اصل سوسیالیستی در اینموقع دیگر عملی شده است ؛ " در مقابل کار متساوی ، محصول متساوی " - این اصل سوسیالیستی هم در اینموقع دیگر عملی شده است . ولی این هنوز کمونیسم نیست و این هنوز " حقوق بورژوائی " را که به افراد نامتساوی در برابر کار نامتساوی (در واقع نامتساوی) محصول متساوی میدهد برطرف نمیسازد .

و ۱۰ . لنین : « دولت و انقلاب » (اوت -

سپتامبر ۱۹۱۷)

۳۷- لنین گفت که در جامعه سوسیالیستی حق بورژوازی

در مالکیت ناپدید می گردد . چگونه باید این مطلب را درک

نمود؟

۳۸- چرا توزیع بر اساس کار یک حق بورژوازی است

که به افراد نامساوی در قبال کار نامساوی، محصول مساوی

می دهد؟

مارکس که تنها بدقیق‌ترین وجهی نابرابری ناگزیر افراد را در نظر می‌گیرد، بلکه این موضوع را نیز در نظر دارد که تنها در آمدن وسائل تولید به تملک همگانی تمام جامعه (یا باصطلاح معمولی - "سوسیالیسم")، هنوز نواقص تقسیم و نیز نابرابری "حقوق بورژوائی" را که مادام که محصولات "طبق کار" تقسیم می‌شود، کماکان حکمفرما خواهد بود منتفی نمی‌سازد.

و ۱۰. لنین: «دولت و انقلاب» (اوت -

سپتامبر ۱۹۱۷)

۳۹- چرا لنین می‌گوید که تنها در آمدن وسائل تولید

به تملک همگانی تمام جامعه «نواقص تقسیم و نیز نابرابری «حقوق بورژوائی» را ... منتفی نمی‌سازد»؟

۴۰- چرا در جامعه سوسیالیستی «حقوق بورژوائی» در

زمینه توزیع به سلطه خود ادامه می‌دهد؟

۴۱- چگونه باید اصل توزیع بر اساس کار را درک کنیم

و نگرش ما به آن چگونه باید باشد؟

البته حق بورژوائی در مورد تقسیم محصولات مصرف ،
ناگزیر مستلزم دولت بورژوائی نیز هست زیرا حق بدون دستگاہی
که بتواند افراد را برعایت موازین حقوق مجبور کند ، در حکم
هیچ است .

نتیجه حاصله اینکه در دوران کمونیسم نه تنها حق بورژوائی
بلکه دولت بورژوائی هم تا مدت معینی باقی میماند - منتها
بدون بورژوازی !

و ۱۰. « لنین : « دولت و انقلاب » (اوت -
سپتامبر ۱۹۱۷)

۴۲ - چرا لنین می گوید در دوران کمونیسم ، دولت
بورژوائی تا مدت معینی باقی می ماند؟

آقای دورینگ در واقع بهر کس حق میدهد که "مصرفش از لحاظ کمی مساوی" دیگران باشد؛ اما او هیچکس را نمیتواند به این کار مجبور سازد. او برعکس افتخار میکند که در جهان ساخت او هر کس میتواند با پول خود هر نوع که میخواهد رفتار کند. در نتیجه او نمیتواند مانع شود که کسانی ذخیره پولی کوچکی بهم زنند در حالی که دیگران با مزدی که دریافت میکنند سروته زندگی خود را بهم نیاورند. او يك چنین فرجاسی را اجتنابناپذیر میسازد زیرا که با قبول حق ارث بردن، مالکیت مشترك خانواده را علناً برسمیت می شناسد، نتیجه ای که از آن حاصل میاید وظیفه پدر و مادر در نگاهداری فرزندان است. اما با این ترتیب در مصرف از لحاظ کمی مساوی شکاف بزرگی ایجاد میشود. مرد عزب با دستمزد روزانه خود که به هشت تا دوازده مارك بالغ میگردد عالی و خوشبخت زندگی میکند در حالی که مرد بیوه با هشت كودك صغیر با این دستمزد زندگی رقتباری میگذرانند. اما از سوی دیگر کمون که برای پرداخت هرگونه پولی را بی قید و شرط می پذیرد امکان میدهد که این پول از طریق دیگری جز کار و زحمت بدست آید. Noh olet. کمون نمیداند که این پول از کجا میاید. بدین ترتیب

* پول بو ندارد. - مترجم

تمام شرایط موجود است برای آنکه پول فلزی که تاکنون نقش اجرت کار را بازی میکرد، در نقش فونکسیون پول ظاهر شود. اکنون این امکان و انگیزه پیش میاید که از یکسو پولی بیندوزند و از سوی دیگر بدهکار شوند. نیازمند از کسی که پول میاندوزد قرض میگیرد. پولی که به قرض گرفته میشود و کمون آنها برای پرداخت مایحتاج زندگی میپذیرد، بصورت همان چیزی در میاید که در جامعه کنونی هست یعنی تجسم اجتماعی کار انسانی، مقیاس واقعی کار و وسیله عمومی گردش. همه "قوانین و موازین اداری" جهان از تغییر آن همان اندازه ناتوانند که از تغییر جدول ضرب یا تغییر ترکیب شیمیائی آب. و چون گرد آورنده پول میتواند نیازمند به پول را وادار به پرداخت ربح کند، بنابر این همراه با پول فلزی که بمثابه پول واقعی عمل میکند، رباخواری از نو برقرار میگردد.

ف. انگلس: «آنتی دورینگ» (سپتامبر ۱۸۷۶ -

ژوئن ۱۸۷۸)

سؤال ۴۳ - درك این نقل قول از انگلس آسان نیست.

آیا میتوان توضیحی درباره آن داد تا جوهر مطلب درك گردد؟

۴۴- چرا علیرغم اینکه مبادله بوسیله پول، زمینی

است که سرمایه داری در آن رشد می کند، هنوز در چین از آن استفاده میشود؟

همینکه جامعه تولیدکننده کالا شکل ارزش موجود در خود کالا را به شکل پول در میآورد، نطفه‌های مختلفی که هنوز در ارزش نهفته‌اند بمعرض ظهور در می‌آیند. نخستین و اساسی‌ترین تأثیر آن، تعمیم شکل کالائی است. حتی آن اشیائی که قبلاً برای مصرف مستقیم شخصی بود پول به آنها شکل کالائی میدهد و آنها را به محیط مبادله میکشاند. بدین ترتیب شکل کالائی و پول در اقتصاد درونی جامعه اشتراکی، جامعه‌ای که مستقیماً با تولید اجتماعی سر و کار دارد، نفوذ میکند، روابط درونی این جامعه را یکی پس از دیگری متلاشی می‌سازد و جامعه اشتراکی بصورت انبوهی از تولیدکنندگان خصوصی در می‌آورد.

ف. انگلس: «آنتی دورینگ» (سپتامبر ۱۸۷۶ -
ژوئن ۱۸۷۸)

سؤال ۴۵- چگونه باید ایده‌آسی نقل قول فوق از

انگلس را درک کنیم؟

سؤال ۴۶- وقتی که انگلس می‌گوید «همینکه جامعه

تولیدکننده کالا شکل ارزش موجود در خود کالا را بشکل پول

درمی آورد، نطفه‌های مختلفی که هنوز در ارزش نهفته‌اند

بمعرض ظهور درمی‌آیند» منظورش چیست؟

۴۷ - چگونه پول، تلاشی مالکیت عمومی در جامعه

اولیه را تسریع کرد؟ و نتیجه عملی‌ای که امروز باید روشن

کرد چیست؟

آزادی گردش چیست ؟ آزادی گردش ، آزادی تجارت است و آزادی تجارت بمعنی عقب‌نشینی بسوی سرمایه‌داری است . آزادی گردش و آزادی تجارت بمعنی مبادله کالائی میان خرده مالکان منفرد است . ما همه که لا اقل الفبای مارکسیسم را آموخته‌ایم میدانیم که از این گردش و آزادی تجارت نتیجه میشود تقسیم تولیدکنندگان کالا به صاحبان سرمایه و صاحبان نیروی کار ، تقسیم به سرمایه‌دار و کارگر مزدور یعنی ایجاد مجدد بردگی مزدوری سرمایه‌داری که از آسمان نمی‌افتد ، بلکه در سراسر جهان بویژه از اقتصاد کشاورزی کالائی بیرون میاید . این را ما از لحاظ تئوری بنحو احسن میدانیم و در روسیه هر آنکس که به زندگی و شرایط اقتصاد کشاورز کوچک توجه کرده باشد نمیتواند آنرا مشاهده نکند .

و ۱۰ . لینن : « دهمین کنگره حزب کمونیست

روسیه (بلشویک) » (مارس ۱۹۲۱)

۴۸ - منظور لینن از آزادی تجارت چیست؟

۴۹ - چگونه باید یاد آوری لینن را که «از این گردش

و آزادی تجارت نتیجه میشود تقسیم تولیدکنندگان کالا به

صاحبان سرمایه و صاحبان نیروی کار، تقسیم به سرمایه دار و
کارگر مزدور یعنی ایجاد مجدد بردگی مزدوری سرمایه داری»
درک کرد؟

۵۰- آیا این آموزش لنین از هیچ اهمیت عملی ای در

چین برخوردار است؟

... بورژوازی از تولید کالائی میزاید ؛ در شرایط تولید کالائی ، دهقان که صدها پود گندم اضافی دارد ، گندمی که مورد نیاز خانواده او نیست و آنرا برای کمک به کارگران گرسنه به دولت کارگری هم بقرض نمیدهد ، بلکه آنرا در بازار سیاه آب میکند ؛ این دهقان کیست ؟ آیا این بورژوازی نیست ؟ آیا بورژوازی در اینجا زاده نمیشود ؟

و ۱۰ . لنین : « هفتمین کنگره شوراهای سراسری روسیه » (دسامبر ۱۹۱۹)

۵۱- لنین این مطلب را در چه شرایطی گفته ؟ اهمیت شگرف آن در چیست ؟

۵۲ - تولید کوچک کالائی هزاران سال وجود داشته ، در حالی که سرمایه داری تنها در عصر جدید ظهور کرده . بنابراین چگونه باید یاد آوری لنین را که گفت « بورژوازی از تولید کالائی میزاید » درک کنیم ؟

آری ، تا آنجا که ما مالکین ارضی و بورژوازی را سرنگون
ساختیم ، راه را هموار کردیم ولی بنای سوسیالیسم را هنوز
بالا نبرده‌ایم . بر روی سرزمینی که از یک نسل پاک شده‌است
در طول تاریخ مدام نسلهای جدیدی پدید میاید ، بشرط آنکه
زمین بزاید ، بوفور بورژوا میزاید و آنهایی که از دید صاحبکاران
کوچک به پیروزی بر سرمایه‌داران مینگرند — ” آنها بجیب
زدند ، بگذار من از موقعیت استفاده کنم “ — هر یک از آنها
سر آغاز نسل جدیدی از بورژواها است .

و ۱۰ . لنین : « جلسه کمیته اجرائی مرکزی
سراسری روسیه » (آوریل ۱۹۱۸)

سئوال ۵۳- چگونه باید جوهر اصلی گفتار لنین را

درک کنیم؟

سئوال ۵۴- چرا لنین می‌گوید که افراد بسا دید

صاحبکاران کوچک « سرآغاز نسل جدیدی از بورژواها »

هستند؟

... رفیق ریکوف که در زمینه اقتصادی واقعیات را خیلی خوب می بیند با ما از بورژوازی جدیدی که در جامعه ما وجود دارد سخن گفت. این حقیقتی است. بورژوازی نه تنها از کارمندان شوروی ما میزاید - با آنکه به نسبت ناچیزی از اینجا زاده میشود - از محیط دهقانان و پیشه‌وران نیز زاده میشود که از یوغ بانکهای سرمایه‌داری رسته‌اند و اکنون حمل و نقل بوسیله راه آهن از دسترس آنها دور است. این واقعیتی است. چگونه می‌خواهید این واقعیت را نادیده بگیرید؟ با اینکار شما فقط به پندارهای واهی خود میدان میدید و کتابی را که در آن به اندازه کافی غور نکرده‌اید به دنیای واقعیت که بمراتب بغرنجتر است می‌برید. واقعیت بما نشان میدهد که حتی در روسیه اقتصاد کالائی سرمایه‌داری زنده است، عمل میکند، تکامل مییابد و مانند هر جامعه سرمایه‌داری دیگر بورژوازی میزاید.

و ۱۰. لنین: « هشتمین کنگره حزب کمونیست روسیه (بلشویک) » (مارس ۱۹۱۹)

سؤال ۵۵- این گفتار لنین به چه چیز می‌پردازد؟

سؤال ۵۶- چرا بورژوازی می‌تواند از میان کارمندان

دولت شوروی و بخصوص دهقانان و پیشه‌وران برخیزد؟

در بین مهندسين شوروی ، آموزگاران شوروی و در بین کارگران ممتاز فابریکهای شوروی ، یعنی در بین کارگران بسیار کار آزموده‌ایکه بهترین وضع را دارند ، ما ناظر بروز دائمی تمامی آن خصائل منفی ذاتی پارلمانتاریسم بورژوائی هستیم و فقط از راه يك مبارزه مداوم و خستگی‌ناپذیر و طولانی و سرسخت تشکل و انضباط پرولتری است که ما میتوانیم بر این بلا - تدریجاً - غلبه کنیم .

و ۱۰ . لنین : « بیماری کودکی "چپروی" در کمونیسم » (آوریل - مه ۱۹۲۰)

سؤال ۵۷ - منظور لنین از « تمامی آن خصائص منفی ذاتی پارلمانتاریسم بورژوائی » چیست ؟

سؤال ۵۸ - چرا تمام خصائص منفی ذاتی پارلمانتاریسم بورژوائی دائماً در میان مهندسين شوروی و آموزگاران و کارگران ممتاز بروز می‌کند ؟

میان کارگر و جامعه کهنه هیچگاه دیوار چین فاصله نبود .
بسیاری از روحیات سنتی جامعه سرمایه‌داری در کارگر باقی
مانده است . کارگران جامعه نوینی میسازند بدون آنکه خود به
انسانهای نوین منزه از آلودگیهای دنیای کهنه تبدیل شده
باشند ، برعکس هنوز تا زانو در این لجنزار فرو رفته‌اند . پاک
شدن از این آلودگیها فعلاً فقط در عالم اندیشه میسر است .
پنداری عمیقاً واهی است اگر فکر کنیم که اینکار را میتوان
فوراً عملی ساخت . این پندار واهی در عمل استقرار سوسیالیسم
را فقط به دنیای سماوی موکول خواهد کرد .

نه ، ما اینطور به ساختمان سوسیالیسم نمیپردازیم . ما
سوسیالیسم را بنا میکنیم در حالی که بر زمینه جامعه سرمایه‌داری
ایستاده‌ایم ، در حالی که علیه همه آن ضعف‌ها و معایبی مبارزه
میکنیم که دامن زحمتکشان را نیز گرفته است و پرولتاریا را به
سقوط سوق میدهد .

و ۱۰ . لنین : « گزارش به دومین کنگره
اتحادیه‌های کارگری سراسری روسیه » (۲۰ ژانویه

(۱۹۱۹)

سؤال ۵۹- با اینکه کارگران جامعه نوین سوسیالیستی را بنا می‌نهند. چرا لنین می‌گوید آنها «هنوز تا زانو در این لجن‌زار فرورفته‌اند» (منظور دنیای کهن است)؟

سؤال ۶۰- مطالعه این گفتار لنین چه اهمیت عملی‌ای برای چین دارد؟

* هر جا در این نوشته از چین نام برده شده است. به مفهوم تأیید سیاست‌های خارجی و داخلی امروزی چین نیست. (م)

برای تبدیل اعضاء شوراها به " پارلمان نشین " و یا از طرف دیگر به بوروکرات يك تمایل خرده بورژوائی وجود دارد .
علیه این تمایل باید از طریق جلب تمام اعضاء شوراها به شرکت عملی در اداره امور مبارزه نمود . شعب شوراها در نقاط زیادی به ارگانهائی تبدیل میشوند که متدرجاً با کمیساریاها آمیخته میگردند . هدف ما جلب همگانی تهیدستان بشرکت عملی در اداره امور است . و هر گامی برای انجام این امر برداشته شود - که هر چه متنوع تر بهتر - ، باید دقیقاً به ثبت برسد ، بررسی شود ، سیستم بندی گردد ، در مقیاس وسیعتری مورد آزمایش قرار گیرد و صورت قانونی بخود گیرد . هدف ما اجرای مجانی وظایف دولتی بتوسط هر زحمتکشی پس از پایان " درس " هشت ساعت کار تولیدی است . انتقال باین مرحله کاریست بس دشوار ولی وثیقه استحکام قطعی سوسیالیسم فقط در همین انتقال است .

و ۱۰ . لنین : « وظایف نوبتی حکومت شوروی »

(مارس - آوریل ۱۹۱۸)

سؤال ۶۱ - چرا يك تمایل خرده بورژوائی در میان

اعضاء شوراها برای تبدیل آنان به « پارلمان نشینان » و

بور و کرات ها می تواند ظهور کند؟

سؤال ۶۲- چرا لنین می گوید لازمست که تمام اعضاء شوراهها و تمام تهریستان را برای مبارزه با تمایل فوق الذکر باید به شرکت عملی در اداره امور فراخواند؟

سؤال ۶۳- چرا لنین تاکید می کند که هر زحمتکش پس از پایان «وظیفه» هشت ساعت کار تولیدی وظایف دولتی را بطور مجانی انجام خواهد داد؟

«در صورت تسلیم وظیفه سفالگری» : زینا، ۱۰۰

«در صورت تسلیم وظیفه سفالگری» : زینا، ۱۰۰

«در صورت تسلیم وظیفه سفالگری» : زینا، ۱۰۰

«در صورت تسلیم وظیفه سفالگری» : زینا، ۱۰۰

اعضاء متظاهر حزب مفت هم بدرد ما نمیخورند . یگانه
حزب دولتی جهان که در بند افزایش کمیت اعضاء خود
نبوده ، بلکه در فکر بهبود کیفیت آنان و تصفیه حزب از
" انگل شدگان " است ، حزب ما - حزب طبقه کارگر انقلابی
است . ما بارها نامنویسی اعضاء حزب را تجدید نموده‌ایم
تا این " انگل شدگان " را از آن بیرون بریزیم و تنها افراد
آگاه و صادقانه وفادار نسبت به کمونیسم را در حزب باقی
گذاریم . ما هم از بسیج برای جبهه و هم از شنبه‌های
کمونیستی استفاده کردیم تا حزب را از وجود کسانی که
میخواهند فقط از فوائد ناشی از موقعیت اعضاء حزب دولتی
" مستفیض گردند " و نمیخواهند مشقات کار فداکارانه بنفع
کمونیسم را متحمل شوند ، تصفیه نمائیم .

و ۱۰ . لینن : « دولت کارگران و هفته حزبی »

(اکتبر ۱۹۱۹)

سؤال ۶۴- جان کلام نقل قول فوق چیست؟

سؤال ۶۵- چرا « حزب ما » حزب طبقه کارگر انقلابی

« یگانه حزب دولتی جهان » که در بند افزایش کمیته اعضاء
خود نبوده ، بلکه در فکر بهبود کیفیت آنان و تصفیه حزب

از «انگل شدن» است.

سؤال ۶۶. چرا لنین استفاده از بسیج برای جنبه و
شنبه‌های کمونیستی جهت تصفیه حزب از اعضاء نالایق
تاکید می‌کند؟

لنین در مورد این مسئله در کتاب «سازماندهی حزب کمونیست»
نویسند: «بسیج را باید به گونه‌ای سازماندهی کرد که
در نتیجه آن، اعضاء نالایق از حزب خارج شوند و
حزب از نظر اعضاء، متفهم و متعهد شود. این امر
بسیار مهم است و باید به آن توجه ویژه داشت.
بسیج باید به گونه‌ای باشد که اعضاء نالایق
را از حزب خارج کند و اعضاء متفهم و متعهد
را در حزب بمانداند. این امر به نفع حزب است
و باید به آن توجه ویژه داشت.»

«روزنامه منته و نالایق» : زمیانا ۲۰۱۰ ع
(P 111 پینا ۱)

تشیب روفه رانوه رانوه و کلا بانه ۲۲۰ رانوه
روانوه رانوه رانوه رانوه رانوه رانوه رانوه رانوه
رانوه رانوه رانوه رانوه رانوه رانوه رانوه رانوه
رانوه رانوه رانوه رانوه رانوه رانوه رانوه رانوه

اپورتونیسیم دشمن عمده ما است . اپورتونیسیم در اقشار فوقانی جنبش کارگری سوسیالیسم پرولتاریائی نیست ، بلکه سوسیالیسم بورژوائی است . در عمل به اثبات رسیده است که در درون جنبش کارگری فعالینی که به جریان اپورتونیستی تعلق دارند بهترین مدافعین بورژوازی اند ، بهتر از خود بورژواها .

و ۱۰۰ . لینن : « دوسین کنگره انترناسیونال

کمونیستی » (ژوئیه - اوت ۱۹۲۰)

سؤال ۶۷ - چرا اپورتونیسیم دشمن اصلی ماست؟

بورژوازی در کشور ما مغلوب گردیده ، ولی هنوز ریشه کن نشده ، نابود نگردیده و حتی تا پایان در هم شکسته نشده است . بدینجهت شکل جدید و عالیتری از مبارزه با بورژوازی در دستور روز قرار میگیرد که عبارتست از انتقال از وظیفه کاملاً ساده آتی سلب مالکیت از سرمایه داران به وظیفه بسی بغرنج تر و دشوارتر ایجاد آنچنان شرایطی که در آن بورژوازی دیگر نه قادر بادامه حیات باشد و نه اینکه بتواند مجدداً پدید آید . روشن است که این وظیفه ای بمراتب عالیتر است و بدون اجرای آن ، سوسیالیسم بوجود نخواهد آمد .

و ۱۰ . لنین : « وظایف نوبتی حکومت شوروی »
(مارس - آوریل ۱۹۱۸)

سؤال ۶۸ - چگونه باید ایده اساسی گفتار فوق لنین را درك کنیم؟
سؤال ۶۹ - چرا ایجاد آنچنان شرایطی که در آن بورژوازی دیگر نه قادر به ادامه حیات باشد و نه اینکه بتواند مجدداً پدید آید، شکل عالیتر مبارزه علیه بورژوازی و وظیفه به مراتب متشکل تری است؟

واضح است که برای محو کامل طبقات باید نه تنها
استثمارگران یعنی ملاکین و سرمایه‌داران را سرنگون ساخت و
نه تنها مالکیت آنها را لغو نمود، بلکه باید هرگونه مالکیت
خصوصی بر وسائل تولید را نیز ملغی ساخت و هم فرق بین
شهر و ده و هم فرق بین افراد متعلق به کار جسمی و افراد
متعلق به کار فکری را از بین برد. این کاریست بس طولانی.

۱۰. «لنین»: «ابتکار عظیم» (ژوئن ۱۹۱۹)

سؤال ۷۰- چرا برای نابودی کامل طبقات، نابودی
مالکیت بر وسائل تولید لازمست؟ چگونه باید از این دید
به اوضاع فعلی چین و مرحله تکاملی آن برخورد نمود؟

سؤال ۷۱- چرا اگر بخواهیم طبقات را بکلی نابود
کنیم باید اختلاف بین شهر و ده و بین کار فکری و کار دستی
را نابود سازیم؟

پدیده‌های کمونیستی فقط زمانی آغاز میشود که شنبه‌های کمونیستی پدید آید یعنی کار افراد جداگانه بمقیاس وسیع و بسود جامعه ، کاری رایگان که شروط و موازین آن از جانب هیچ قدرت یا هیچ دولتی تعیین نمیشود. این کمک به همجوار نیست ، کمکی که همیشه در ده وجود داشته‌است ، بلکه کاری است مجانی که بمقیاسی وسیع سازمان میگیرد و نیازمندیهای قاطبه مردم را بر میآورد . بنابر این صحیح‌تر است اگر لغت " کمونیست " را نه فقط در مورد نام حزب بلکه منحصرأ در مورد آن پدیده‌های اقتصادی زندگی خود بکار بریم . که به کمونیسم واقعاً تحقق میبخشند . اگر در نظام کنونی روسیه چیزی کمونیستی وجود دارد ، فقط همانا شنبه‌های کمونیستی است ؛ مابقی تنها مبارزه با سرمایه‌داری بخاطر استحکام سوسیالیسم است که از آن ، پس از پیروزی کامل باید همان کمونیسمی فرا روید که ما در شنبه‌های کمونیستی شاهد آنیم آنها نه در کتاب بلکه در واقعیت زنده .

و ۱۰ . لنین : « گزارش در باره شنبه‌های کمونیستی به کنفرانس شهر مسکو حزب کمونیست روسیه (بلشویک) » (۲۰ دسامبر ۱۹۱۹)

سوال ۷۲ - «شبهه‌های کمونیستی» درباره چیست؟

سوال ۷۳ - چرا «شبهه‌های کمونیستی» يك پدیده

کمونیستی است؟

نقد مائیت و ولایت زمامداران در زمان ما : زینا ، ۱۰۱

(۱۶۱ شماره ۲) : «میر» : «میر» : «میر»

کول مارکس : «میر» : «میر»

اولی ماه ۱۸۷۵

سوال ۷۵ - چگونه باید ایده اساسی را

در میان توده‌ها رها کرد؟

سوال ۷۶ - چگونه باید به شرط زود رسیدن

به سوی شعارها تحت آن گذاریم؟

تحت آن شعارها در حرکت طبق استعدادهای

بزرگان عمل می‌کنند؟

انقلابی را که ما آغاز کرده‌ایم، انقلابی که هم اکنون دو سال است بدان مشغولیم و با قاطعیت تصمیم گرفته‌ایم آنرا پایان برسانیم (کف زدن حضار)، - این انقلاب ممکن و تحقق پذیر است بشرط آنکه ما توفیق یابیم قدرت را به طبقه جدید انتقال دهیم، بشرط آنکه بجای بورژوازی، برده‌داران سرمایه‌داری، روشنفکران بورژوائی و نمایندگان کلیه ثروتمندان و کلیه مالکان، در تمام زمینه‌های اداره امور، در تمام امور مربوط به ساختمان دولتی، در تمام امور مربوط به رهبری زندگی جدید - از پائین تا بالا - طبقه جدید مستقر گردد.

و ۱۰. لنین: «گزارش به دوسین کنگره اتحادیه‌های

کارگری سراسری روسیه» (۲۰ ژانویه ۱۹۱۹)

سؤال ۷۴- چگونه باید جوهر اساسی نقل قول لنین

را درك کنیم؟

در فاز بالائی جامعه کمونیستی ، پس از آنکه تبعیت اسارت
آمیز انسان از تقسیم کار از میان برود ، هنگامیکه به همراه این
وضع تقابل بین کار فکری و جسمی نیز از میان برخیزد ؛ هنگامیکه
کار دیگر تنها وسیله زندگی نبوده بلکه خود به نخستین نیاز
زندگی مبدل شود ؛ هنگامیکه به همراه تکامل همه جانبه افراد
نیروهای مولده نیز رشد یابد و کلیه سرچشمه های ثروت اجتماعی
سیل آسا بجزریان افتد ، - تنها آن هنگام میتوان بر افق محدود
حقوق بورژوائی از هر جهت فایق آمد و جامعه میتواند بر پرچم
خود بنویسد : از هر کس طبق استعدادش و بهر کس طبق
نیازش !

کارل مارکس : « انتقاد از برنامه گتا » (آوریل -

اوائل مه ۱۸۷۵)

سؤال ۷۵- چگونه باید ایده اساسی نقل قول مارکس

را درك کنیم؟

سؤال ۷۶- چگونه باید سه شرط را که مارکس

برمی شمارد، تحت آن گذار به کمونیسم یعنی دورانی که

تحت آن اصل « از هر کس طبق استعدادش و به هر کس طبق

نیازش » عمل می کند درك کنیم؟

کمونیسته‌ها عار دارند که مقاصد و نظریات خویش را پنهان سازند. آنها آشکارا اعلام میکنند که تنها از طریق واژگون ساختن همه نظام اجتماعی موجود، از راه جبر، وصول به هدفهایشان میسر است. بگذار طبقات حاکمه در مقابل انقلاب کمونیستی بر خود بلرزند. پرولتارها در این میان چیزی جز زنجیر خود را از دست نمانده‌اند، ولی جهانی را بدست خواهند آورد.

کارل مارکس و فریدریش انگلس: «مانیفست

حزب کمونیست» (فوریه ۱۸۴۸)

سؤال ۷۷- چرا وصول به هدفهای کمونیسم «تنها از

طریق واژگون ساختن همه نظام اجتماعی موجود» میسر است؟

سؤال ۷۸- چگونه باید کلمات مارکس و انگلس را

که می‌گویند «کمونیسته‌ها عار دارند که مقاصد و نظریات خویش را پنهان سازند» درک نمود؟

سؤال ۷۹- چرا مارکس و انگلس می‌گویند «پرولتارها

در این میان چیزی جز زنجیر خود را از دست نمی‌دهند ولی جهانی را بدست خواهند آورد»؟

من امیدوارم شما در تکمیل این سخنرانی‌ها و گفتگوها
قسمتی از وقت خود را بمطالعه لاقلاً برخی از عمده‌ترین آثار
مارکس و انگلس اختصاص دهید. تردیدی نیست که در فهرست
خواندنی‌ها و کتابهایی که در مدرسه شوروی و حزبی در اختیار
شاگردان گذاشته میشود، در کتابخانه‌ای که شما دارید مسلماً
این آثار عمده را خواهید یافت و اگر چه ممکن است دشواری
مطالب آنها موجب وحشت شود، باید قبلاً خاطر نشان سازم
که نباید ناراحت شوید. آنچه در مرتبه اول مفهوم نیست پس
از مطالعه مکرر و یا پس از آنکه شما از جهت دیگر بمسئله
نگاه کنید مفهوم خواهد شد، زیرا که بار دیگر باید تکرار کنم
که مسئله حاضر چنان مسئله بغرنجی است و چنان بدست
دانشمندان و نویسندگان بورژوائی دچار آشفتگی شده‌است که
هرکس که میخواهد جداً در آن تعمق ورزد و مستقلاً آنرا
فرا گیرد باید چندین بار بآن مراجعه کند، مجدداً و مجدداً
بآن پردازد، از جهات مختلف در این مسئله غور کند تا آنکه
به درك روشن و پا بر جایی نائل آید. اما مراجعه مکرر شما
باین مسئله از آن جهت بآسانی صورت میگیرد که این مسئله
آنقدر برای سیاست اساسی و ریشه‌ای است که نه فقط در چنین
روزگار توفانی و انقلابی که ما اینک از سر میگذرانیم بلکه در

مسالمت‌آمیزترین روزگار هم شما هر روز در هر روزنامه، در هر مسئله اقتصادی و سیاسی، پیوسته باین سؤال برخورد خواهید خورد که: دولت چیست، ماهیت آن کدام است، اهمیت آن کدام است و حزب ما، حزبی که در راه سرنگونی سرمایه داری مبارزه میکند، حزب کمونیستها چه مناسباتی با دولت دارد.

و.ا.ل. نین: «در باره دولت» (ژوئیه ۱۹۱۹)

سؤال ۸۰- چرا نین می‌گوید که مسئله دولت مهم

ترین مسئله اساسی و پایه‌ای تمام سیاست است، مسئله‌ای

که این قدر توسط دانشمندان و نویسندگان بورژوازی دچار

آشفته‌گی گردیده؟

سؤال ۸۱- چرا نین خواندن و مطالعه برای گرفتن

درك روشن از دولت را مورد تاکید قرار میدهد؟

منتشر میشود:

- ۱- تاریخچه، مواضع ایدئولوژیک و دیدگاههای سیاسی گروه
- ۲- دیکتاتوری پرولتاریا (راهنما بحث)
- دفتر دوم پاسخ به سؤالات
- ۳- رویزونیسم در سیاست

منتشر میشود:

- ۱- تاریخچه مواضع ایدئولوژیک
و دیدگاههای سیاسی گروه
- ۲- دیکتاتوری پرولتاریا (راهنمای بحث)
دفتر دوم پاسخ به سؤالات
- ۳- رویزونیسم در سیاست

دیجیتال کننده: نینا پویان

۳۰ ریال